

بررسی نوگرایی خانواده‌های ایرانی (تحقیقی در شهر تهران)

دکتر سید رضامعینی^۱، دکتر عالیه شکر بیگی^۲

چکیده

دگرگونی خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع بوده است که در این میان اهدافی را برایش تعریف کردیم و مهمترین هدف این پژوهش: بررسی میزان نوگرایی خانواده‌های ایرانی بوده است و همچنین فرض ما در این پژوهش عبارتند از: به نظری رسد بین میزان نوگرایی خانواده‌ها و تحولات خانواده ایرانی ارتباط معنی دار وجود دارد. در این پژوهش از رویکرد تلفیقی نوگرایی و بازاندیشی گیدنز، زیمل، اولریخ بک و بلومر استفاده گردید و بر اساس نظریات فوق شاخص‌هایی تعریف گردید. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش پیمایشی بوده است. نتایج به دست آمده گویای گرایش خانواده‌های ایرانی به نوگرایی است و متغیر نوگرایی در نگرش‌های جنسیتی بالاترین بازنگری و متغیر باورهای دینی کمترین بازنگری را در خانواده‌های ایرانی داشته است. قابل ذکر است که در این پژوهش علاوه بر شاخص‌های برگرفته از چارچوب نظری از مقیاس شارما و همچنین مقیاس ساخته شده توسط محقق برای اندازه‌گیری میزان نوگرایی در خانواده‌ها استفاده گردید. مقیاس‌های ساخته شده توسط محقق در پژوهش فوق عبارتند از: نگرش‌های جنسیتی، فردگرایی، اندیشه مدرن، باورهای دینی، میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان ریسک‌پذیری، میزان بازاندیشی و شاخص‌های شارما (علم‌گرایی، تساوی طلبی، گرایش جهانی، پیشرفت‌گرایی، استقلال طلبی، گرایش مدنی، گرایش دموکراتیک) استفاده گردید.

واژگان کلیدی: تجددگرایی، خانواده ایرانی، تحولات خانواده، بازاندیشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۳/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱/۲۰

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی rezamoini43@yahoo.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (نویسنده مسئول) a_shekarbeugi@yahoo.com

مقدمه

پیدایش فردگرایی توأم با تحولات تاریخی که به استقرار مدرنیته و صنعتی شدن جوامع انجامید، تأثیرات عمیقی بر رشد اندیشه اجتماعی داشت و فهم پیامدها و دلالت‌های این پدیده از دغدغه‌های اصلی پیشگامان جامعه‌شناسی بوده است. اگرچه از پیامدهای فردگرایی بنابر نتایج تحقیقات پدیده شل شدن چسب روابط اعضای نظام خانواده در ایران می‌باشد. بی‌تردید در این بحران، علت‌های زیادی دخیل می‌باشند که به نظر می‌رسد مهمترین عامل ایجاد این بحران، نوگرایی و مدرنیزاسیون در جامعه ایرانی باشد که نهادهای اجتماعی ایران هم در معرض یورش سیل آسای این موج مهیب و سهمگین می‌باشند. چرا که با ورود هر ابزار تجددگرایی، چون در جامعه فرهنگ‌سازی نمی‌شود، در نتیجه تجدد جرم‌زا و آسیب‌زا به وجود می‌آید. بدون شک موج نوگرایی و مدرنیزاسیون جامعه، ارتباطات انسانی و روابط اجتماعی خانواده ایرانی را دچار تغییراتی نموده و در حقیقت توجه به کم و کیف روابط اجتماعی از موضوعاتی بوده است که مورد توجه جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر به نوعی بوده است. در هر صورت باید توجه کرد که:

جامعه ایران در معرض تغییراتی قرار دارد که چشم‌انداز و دامنه آن چندان که باید روشن نیست، هر کس که در جامعه ایران زندگی می‌کند، کم و بیش حسی از دگرگونی دارد و این تجربه را خواه خوشایند بیابد یا ناخوشایند به صورت‌های گوناگون بیان می‌کند. قضاوت‌هایی که درباره جوانان یا زندگی اخلاقی و مانند آن در محاوره‌های عادی یا در گزارش‌های پژوهشی ابراز می‌شود، عمدتاً ناظر به چنین تغییراتی که ناشی از گرایش به نوگرایی و تجددگرایی است می‌باشد. بالطبع این تحول و دگرگونی به دلیل فرهنگی‌بودنش بیش از همه جا اثر خود را در کانون خانواده به جای می‌گذارد. افزایش مشارکت زنان در بازار اشتغال، شرکت در گروه‌های رسمی و غیررسمی، ارتباطات و حمایت‌های اجتماعی خانواده، شبکه‌های اجتماعی مرتبط، خانواده و... . ناشی از پیامد فرآیند مدرنیته غرب دچار دگرگونی شده است و به عبارتی خانواده ایرانی تغییراتی را در خود پذیرفته است و به دلیل از بین رفتن انفصال در فضا و مکان بازاندیشی در اعمال و رفتار، بی‌اختیاری و رهاشدگی انسان‌ها در جامعه و خانواده، دخالت‌نهادهایی مانند خانواده، دین، دولت در عملکردهای یکدیگر وضعیتی را به وجود آورده است که کارشناسان علوم اجتماعی وضعیت قرمز را برای زوال خانواده ایرانی اعلام کرده‌اند و به واقع یکی از دلایل انتخاب این پژوهش، مطالعات، پژوهش‌ها و اسنادی بود که بعضی از آنها را مطالعه کرده و به عمق این وضعیت و دگر

گونی رسیدم و در واقع سوال اصلی این است که آیا خانواده ایرانی دچار زوال گردیده است یا نه، در بستر نوگرایی و تحول قرار گرفته است، کدامیک می توان نشان گویای وضعیت و بحران کنونی خانواده باشد؟

بی تردید باید به این مطلب اشاره کرد که: تغییرات اجتماعی مانند سیلی بنیان برافکن آمده است و تغییرات و تحولاتی را در ارزش ها و نگرش ها و باورهای مردم در جهان به وجود آورده است. در این ارتباط بد نیست گوش جان بسپاریم به سخن یکی از بزرگان جامعه شناسی که می گوید: «تغییرات اجتماعی در تاروپود زندگی مدرن تنیده شده است... تغییرات اجتماعی نمایانگر فعال بودن جامعه مدرن است. ما باید ذهنیت خویش را تغییر دهیم تا با جهان جدید تناسب پیدا کند و بدین ترتیب از همه خواسته می شود که دست به شروع این تغییرات بزنند» (استونز، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸).

همچنین باید گفت در زوایای ساختی - کارکردی خانواده به ویژه در کشورهای صنعتی و اروپایی، تغییراتی به وجود آمده است (آزادارمکی، ۱۳۸۶، ص ۶۹). در شرایط کنونی خانواده ایرانی هم با چالش ها و تغییراتی بسیار روبرو است. تغییراتی از قبیل: «تغییر تنش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، کاهش فرزندآوری» تغییر نگاه به همسر، مرکزیت تصمیم گیری خانواده در جامعه، کم رنگ شدن باورهای مذهبی و کاهش اعتماد که به مجموعه ای از نقش های معارض انجامیده است وضعیت تعارضی حوزه مطالعات خانواده در ایران را به طرح بحث فروپاشی خانواده، مضيقه ازدواج و طلاق کشانیده است» (همان). به تعبیر یکی از جامعه شناسان: در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی - حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. در خصوص این که ما چگونه درباره خود فکر می کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می کنیم انقلابی در جریان است. این انقلاب است که در مناطق و فرهنگ های مختلف با سرعت های مختلف و با مقاومت های بسیار در حال پیشرفت است (گیدنز، ۱۹۹۹، ص ۱). اینکلس و اسمیت نوسازی رانوعی فرایند اجتماعی - روانی می دانند که طی آن افراد نگرش ها، ارزش ها و عقاید مدرن را کسب می کنند (از کیا، ۱۳۷۷، ص ۲۲). به نظر اینکلس، خصوصیات برجسته انسان نود و جنبه دارد: یکی درونی است که به نظر ها، ارزش ها و احساسات او بازمی گردد و دیگری محیطی است (از کیا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰). فرآیند نوگرایی در جوامع بشری بی تردید ارزش ها و هنجارهایی جدید را از

طریق ابزارها و عواملی همچون شهرنشینی، رسانه‌ها، سواد و... بر جوامع بشری تحمیل می‌کند و همان‌طور که خاصیت هر سیستمی می‌باشد، ورود هر عنصر جدیدی کارکرد سیستم را دچار اختلال می‌کند و در این میان با ورود جریان تجدیدگرایی به ساختار اجتماعی جامعه ایرانی و بالطبع ساختار اجتماعی خانواده ایرانی تغییراتی را به وجود آورده است. در حقیقت پیامد و مسئله‌بودن نوگرایی بر ساختار اجتماعی خانواده‌ها از آنجا ضرورت تحقیق را جان می‌بخشد که به نظر می‌رسد پیامد فرآیند نوگرایی در خانواده‌ها فروپاشی خانواده می‌باشد میزان افزایش استفاده از رسانه‌ها، تغییر در ارتباطات دختران و پسران، به وجود آمدن شکل‌های جدیدی از خانواده‌ها تغییر در چگونگی حیات عاطفی خانواده‌ها و... می‌باشد. عاملی که بذرا انجام این تحقیق را در ذهنم کاشت که چرا؟ چرا آمار طلاق بیش از هر زمان دیگری است؟ چرا جوانان به قول دکتر تنهایی جامعه‌شناس ایرانی، دچار رهاشدگی و به قول گیدنز بی‌اختیاری شده‌اند؟ چه علل و عواملی تأثیرگذار بر شدت حرکت، بازاندیشی خانواده‌های ایرانی در کردار و عمل شده‌اند؟ باورهای دینی و نگرش‌های جنسیتی خانوارهای ایرانی چه تاثیری را از نوگرایی پذیرفته‌اند و این بازتابندگی‌ها به قول بلومر که در کنش پیوسته انسان‌ها دچار ماندگی یا تازگی می‌شود ناشی از چه علل و عواملی می‌باشد؟ آیا اصلاً این پروسه چالش و بازتابندگی تا به کجا راهش را طی می‌نماید و در نهایت ما باید شاهد زوال خانواده ایرانی باشیم، شاهد فرسایش و تضعیف ساختار خانواده‌ها باشیم یا نه؟ پیامدهای مدرنیته غرب، نوگرایی را در نگرش‌های انسان‌ها و خانواده‌ها به وجود آورده است و در حقیقت خانواده ایرانی دارای اندیشه مدرن و در حال گذار است؟ واقعاً کدامیک؟

اهداف

- بررسی میزان نوگرایی در خانواده‌های ایرانی

- بررسی چگونگی نگرش‌های جنسیتی متأثر از نوگرایی در خانواده‌ها

- بررسی باورهای دینی متأثر از نوگرایی در خانواده‌ها

- بررسی اندیشه مدرن متأثر از نوگرایی در خانواده‌ها

چارچوب نظری پژوهش

رویکرد تلفیقی مبتنی بر نظریه «نوگرایی» یا بازاندیشی (نوگرایی متأخر) در آراء اندیشمندان (گیدنز، زیمل، اولریخ بک و بلومر) در مورد مباحث مربوط به مدرنیته، تجدید، مدرنیزاسیون و

نوگرایی یا نوگرایی متأخر، صاحب نظرانی بسیار در این زمینه سخن راندند و هر کدام تحلیل های خود را بیان داشته اند. صاحب نظرانی همانند هربرت اسپنسر، فردیناند تونیس، رابرت ردفیلد، امیل دورکیم، زیمل، کریشان کومار، تالکوت پارسونز، اس. ان آیزنشتاد و نیل جی، ریچاد مونچ، اینگلهارت، مید، بلومر، وبر، مارکس، اولریخ بک و گیدنز هر کدام بعدی از ابعاد مدرن گرایی را تحلیل کردند و هر کدام بر متغیری از فرایند نوگرایی، مدرنیته و مدرنیزاسیون در جوامع بشری سخن راندند. به دلیل طولانی شدن بحث از ذکر نظریات این بزرگواران می گذریم و تنها به استنتاجی از نظریات صاحب نظران در مورد فرایند مدرن گرایی و نوگرایی در جوامع بشری می پردازیم و آنگاه به طور خاص روی نظریات گیدنز، زیمل، اولریخ بک و بلومر تمرکز می کنیم. ماحصل مطالعه نظریات صاحب نظران حوزه جامعه شناسی گواه بر این است که: صنعتی شدن پیامدهای جدی بر سایر ابعاد ساختار اجتماعی دارد و موجب تغییرات رادیکال در همه حوزه های حیات اجتماعی می شود. مدرنیزاسیون فرایند مستمری است که در آن درجات بی شماری از مدرنیته وجود دارد. به لحاظ تحلیلی، فرایند اصلی که بر مدرنیزاسیون حاکم است، تمایز ساختاری [۱] فزاینده ای است و در واقع به محض ورود ارزش های مدرن گرایی در جوامع بشری دو نوع تغییر در جوامع زیر سلطه ایجاد می کند: همگرایی، واگرایی. هم چنین ترتیبات اجتماعی زمانی می توانند ادامه یابند که کم و بیش به لحاظ ساختاری تمایز ایجاد شود و اجزاء از یکدیگر منفک و متمایز شوند. این تفکیک و تمایز می تواند به چندین صورت در زمان و مکان مثلاً درباره تمایز مدرن بین کار و زندگی خانوادگی [۲]، به واسطه تقسیم انواع فعالیت، مثلاً تفکیک بین فعالیت های «ابزاری» [۳] مردان و فعالیت های «عاطفی» [۴] زنان در حوزه خانواده، کم رنگ شدن باورهای مذهبی و... هم چنین از جمله تغییرات بنیادینی که مشخص کننده تحول در ساختار کلی جوامع مدرن محسوب می شود، می توان به فردی شدن فزاینده ای ارزش های خانوادگی و جوانان اشاره کرد که در جامعه ای مدرن به سوی جامعه ای فردگرایانه تر حرکت می کند و در همان حال امنیت اجتماعی در گستره ای ملی تقلیل می یابد (بک و دیگران، ۱۹۹۴).

نکته دیگری که صاحب نظران به آن اشاره کرده بودند، فرایند دنیوی سازی [۵] است، یعنی به طور نظام مند عقل و علم جایگزین نهادها، اعتقادات و کردارهای مذهبی می شود و هر جا که فرهنگ های اروپایی مدرن اثر گذاشته اند، جریان ها و روندهای سکولار، عرفی شدن و

کمرنگ شدن باورهای مذهبی به درون ایدئولوژی‌های غیرعقلانی و مذهبی سنتی نفوذ کرده‌اند و در جای دیگر به این مسأله اشاره دارند که زندگی صنعتی - شهری فرصت‌های کم‌نظیر و بی‌سابقه‌ای برای تحریک فردی و آزادی شخص فراهم می‌آورد. نهاد خانواده به دلیل تأثیرپذیری بیش از پیش از جریان و فرآیند پیامدهای مدرنیته غرب، بیشتر مورد آسیب قرار گرفت. نگاه کنید: «حالت بیگانگی نوجوانی و نافرمانی مربوط به دوره بلوغ از ویژگی‌های پذیرفته‌شده زندگی خانوادگی مدرن شد. میزان طلاق به شدت افزایش یافت و وقتی افراد تلاش می‌کردند تا دوباره ازدواج کنند، «پیروزی امید بر تجربه» ازدواج دوم‌شان حتی کمتر از ازدواج اول آنها ثبات داشت و خانواده‌های تک‌والدینی معمولاً به سرپرستی زنان به سرعت افزایش یافتند» (واترز، ۱۳۸۱، ص ۲۴۷). نکته دیگر که قابل اهمیت بود و بعضاً در نظریات صاحب‌نظران کلاسیک و کسانی چون دانیل بل، اینگلهارت و دیگران به چشم می‌خورد، اشاره به این مطلب بود که «بن‌مایه درون‌گرایی و تجددگرایی علاوه بر تغییر در ساختار اجتماعی جوامع ضرورت و اهمیت نقش خانواده نسبت به روزگاران گذشته بود. اگر زمانی خانواده واحد اصلی اقتصاد بود، اما در جوامع پیشرفته صنعتی، زندگی شغلی فرد به طور حیرت‌آوری در بیرون خانه اتفاق می‌افتد، همچنین امروزه آموزش و پرورش اساساً بیرون از خانه صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، مسؤلیت زندگی و بقاء شهروندان را دولت رفاه تقبل کرده است. در گذشته، زندگی و مرگ فرزندان وابسته به والدینشان بود. امروزه، اگرچه خانواده هنوز مهم است، اما دیگر به منزله رابطه بین مرگ و زندگی نیست. تا حد زیادی نقش خانواده توسط دولت رفاه ایفا می‌گردد. نسل جدید می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد حتی اگر خانواده تجزیه و منحل شود و یا حتی هیچ‌یک از والدین در کنار هم نباشند. تحت شرایط معاصر، خانواده تک‌والدی و سالخوردگان بدون فرزندان، امکانات بسیار معتبری برای ادامه زندگی و بقاء نسبت به گذشته در اختیار دارند» (آزادارمکی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴).

بهر صورت نتیجه کلی از مطالعات صاحب‌نظران گویای آن است که تجددگرایی و مدرنیزاسیون امواجی هستند که بر ما وارد شدند و چه بخواهیم و چه نخواهیم باید تغییر در باورها و ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی و ساختار جامعه را بپذیریم و بتوانیم سنتزهای مناسب با آن را در جامعه و بالاخص در خانواده ایجاد کنیم و در حقیقت به قول گیدنز فرآیند مدرنیته به سان شمشیری «دولبه است که یک لبه‌اش مثبت و لبه دیگرش منفی می‌باشد و تلاش جوامع جنوب باید این باشد که لبه

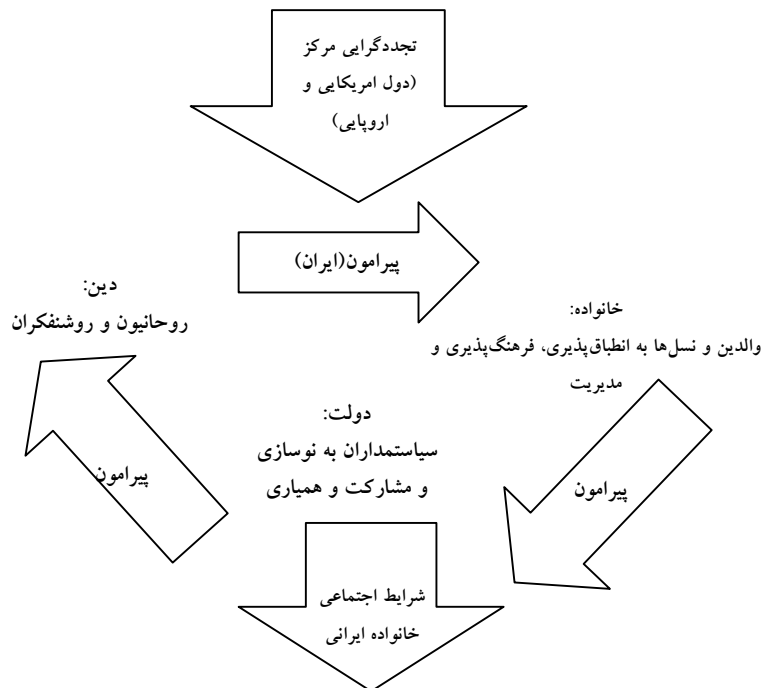
پر لیوان را بینیم و راهکارهایی در این مورد بیندیشیم. هم چنین نکته دیگر، مسیر حرکت به سوی نوگرایی متأخر می باشد که بعضی از جوامع و خانواده ها را به دلیل امکانات تکنولوژی در نوردیده است. در حقیقت نظریه ی نوگرایی سؤالات اساسی را در خصوص زندگی در جامعه ی معاصر برانگیخته است. نوگرایی متأخر با ویژگی جهانی شدن مشخص می گردد. گیدنز برای تبیین تغییرات مهمی که در نوگرایی متأخر واقع شده است، از مفهوم جداسازی زمان و مکان سخن می گوید (گیدنز، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱). ویژگی دیگر نوگرایی متأخر خصلت بازاندیشانه ی آن است (بک، ۱۹۸۶). ادبیات وسیعی در خصوص نوگرایی متأخر وجود دارد که بیشتر آنها حول مفاهیمی تأثیرگذار از جمله: ریسک پذیری و خطر جویی، هویت سیال، هویت بازاندیشانه، اشاره کرد. که به نوعی نگرش بازاندیشانه را در خانواده ایرانی برنامه ریزی و در نتیجه تغییر سرمایه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... خانواده را به دنبال می آورد. در هر حال، مفهوم بازاندیشی [۶] با آثار بک [۷] و گیدنز تأثیر زیادی بر جامعه شناسی کشورهای جهان برجای گذاشته است. در کتاب جامعه خطر [۸]، بک فاز جدید نوگرایی را متفاوت با نوگرایی ساده که جامعه ی صنعتی و مدرن بیانگر آن است، می داند و مرحله ی متوالی دوم نوگرایی را «جامعه ی خطر» نام می دهد که مشخصه ی بارز آن توزیع حوادث، مخاطرات و آسیب ها است. «در پارادایم دوره ی دوم نوگرایی، جهانی شدن نه تنها روابط بین و فراسوی دولت های ملی و جوامع را تغییر می دهد، بلکه کیفیت درونی تجارب اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز تغییر می دهد» (بک، ۲۰۰۰، ص ۷۹).

هم چنین باید گفت: در هر حال فرآیند جهانی شدن، مدرنیته، نوگرایی و تجدیدگرایی در شرایط مختلف تاریخی و با توجه به بستر شرایط اجتماعی جوامع بشری در هر جایی که پا به عرصه حضور گذاشته است با خود چالش ها، بحران ها و خودهای اجتماعی زیادی (هویت های جدیدی) را به ارمغان آورده است و محیط خانوادگی در برخورد و مواجهه و رویارویی با مدرنیته که از جوامع مرکزی (امریکا و اروپا) سرچشمه گرفته است دچار مخاطره و ریسک پذیری می گردد و به عبارتی ظرفیت نهادهای اجتماعی در کشورهای پیرامون (ایران) یکسان نبوده است و در پاره ای موارد آسیب پذیری بعضی از نهادها بیشتر بوده است که در این میان می توانیم به تغییرات و تحولات و بحران هایی که در نهاد خانواده پدید آمده و کنش تعاملی اعضای خانواده، را دچار بازتابندگی و بی اختیار نمودن است را بررسی نمائیم که در این میان همواره درجه ای از تغییرات در عاملیت

(پدیده اجتماعی) قرار دارد. بررسی نظریات مطالعه‌شده در مباحث نظری گویای این مطلب است که همواره یک حالت مداخله و رویارویی بین سه نهاد خانواده، دین و دولت در جامعه بوده است. تعاملات اجتماعی این سه نهاد فوق در پاره‌ای از موارد پیوستگی‌هایی را پدید آورده، در پاره‌ای دیگر بحران‌هایی را در دوره‌ای محدودیت از آن مذهب بوده است و در دوره دیگر دولت و تأثیرات و تأثرات به وجود آمده در نهاد خانواده متأثر از این محدودیت بوده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، صص ۴۹-۵۰).

«فرض بنیادی درجه‌ای از عاملیت در محیط اجتماعی تجددگرا در خانواده ایرانی و در معرفی جامعه ایرانی اهمیت و حضور سه نهاد اجتماعی اصلی است. رابطه تعاملی سه نیروی اجتماعی موجب حرکت نظام از طریق انتقال انرژی، امکانات و مشکلات و نارسایی‌ها در سطح ساختاری می‌شود و در واقع در تجددگرایی خانواده ایرانی، درجه‌ای از تغییر بسته به این نهادها می‌باشد که مفاهیم فوق در الگوی زیر نشان داده می‌شود.

مدل شماره (۱) مدل مفهومی پژوهش



در ادامه چارچوب نظری باید گفت که:

گیدنز در کتاب‌های پیامدهای مدرنیته (۱۹۹۰)، مدرنیته و هویت شخصی (۱۹۹۱) و دگرگونی در روابط نزدیک (۱۹۹۲) به مسئله «هویت» در عصر مدرن می‌پردازد. به اعتقاد گیدنز در جوامع مدرن «خود» و «هویت شخصی» اهمیت فزون‌تری می‌یابد. همه انسان‌ها در جوامع مدرن باید به سؤالات مهمی درباره هویت خود پاسخ دهند و ناگزیر در طول زندگی انتخاب‌های مهمی می‌کنند. از سؤالات روزمره همچون چگونگی لباس پوشیدن، چه چیزی خوردن و تفریحات گرفته تا تصمیمات اساسی درباره روابط، باورها، اعتماد در روابط فردی. در جوامع سنتی کم و بیش نقش‌های ثابتی برای افراد تعریف می‌شد. در حالی که در جوامع مدرن، انسان باید خود نقش‌هایش را بسازد (گیدنز، ۱۹۹۱، ص ۷۰).

«بازاندیشی» [۹] یکی دیگر از مفاهیم محوری در اندیشه گیدنز است. او هم چنین می‌افزاید «بازاندیشی فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روان‌شناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی است.

«بازاندیشی زندگی مدرن بدین معناست که اعمال و عادات اجتماعی به طور دائم آزموده می‌شوند و در پرتو اطلاعاتی که درباره این روال‌های اجتماعی به دست می‌آیند، اصلاح می‌گردند و اصولاً پیوسته تغییر می‌کنند» (گیدنز، ۱۹۹۰، ص ۳۸).

به اعتقاد گیدنز در جریان تجددگرایی سنت‌ها نیز بازاندیشی می‌شوند و در عصر تجدد «خود» پروژه‌ای است که باید طراحی و از نو بازاندیشی شود و دیگر همچون گذشته، سنت‌ها و عادات آن را شکل نمی‌دهد و در حقیقت فرآیند تجددگرایی در جوامع بشری مصداق‌هایی همچون: رسانه‌های همگانی، اعتماد، دوستی، تغییرپذیری مزمین، نظام‌های تخصصی فنی و پزشکی، خطر کردن دائمی، ازدواج و طلاق، خویش‌نمایی، خودمانی‌گری در رفاقت، هویت‌طلبی و رابطه‌های ناب که همگی در جامعه جدید تغییر کرده‌اند (گیدنز، ۱۹۹۰، ص ۲۷).

مفهوم فوق را هم بلومر به آن اشاره می‌کند:

«انسان‌ها با جهان خود به عنوان ارگانیک‌سیمی که از «خودها» شکل یافته مواجه و رو در رو می‌شوند. از این رو به یکدیگر این امکان را می‌دهند که مسائلی را به خود خاطر نشان ساخته و عمل کنند. بر اساس آنچه وی ملاحظه، تعبیر و تفسیر و ارزیابی کرده، در جریان بازتابندگی خود، ساخته می‌شود» (استونر، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶).

زیمیل هم در راستای موارد فوق معتقد است:

«پیوندهای اجتماعی به واسطه‌ی آگاهی واحد اجتماعی از «شکل‌گیری خود» یعنی آگاهی از روند جامعه‌پذیری، به وجود می‌آید. در واقع واحد اجتماعی از طریق «چندگانگی روابط شخص و از طریق احساس و شناختی که فرد از دیگران و دیگران از فرد دارند» تولید می‌شود (استونز، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶). یا در جای دیگر اشاره می‌کند:

«جامعه یک شدن است. در این معنی جامعه یک روند آفرینش و بازآفرینش (بازاندیشی) است.» افراد «خودها» بر حسب تعریف، موجوداتی اجتماعی هستند و از این رو از ابتدا با عاداتی ذاتی درگیر کنش‌های دوسویه می‌شوند. اما این جفت و جور شدن دوسویه مخصوص به جامعه‌پذیری است که باعث آفرینش و به وجود آمدن جامعه می‌شود» (همان، ص ۱۲۷).

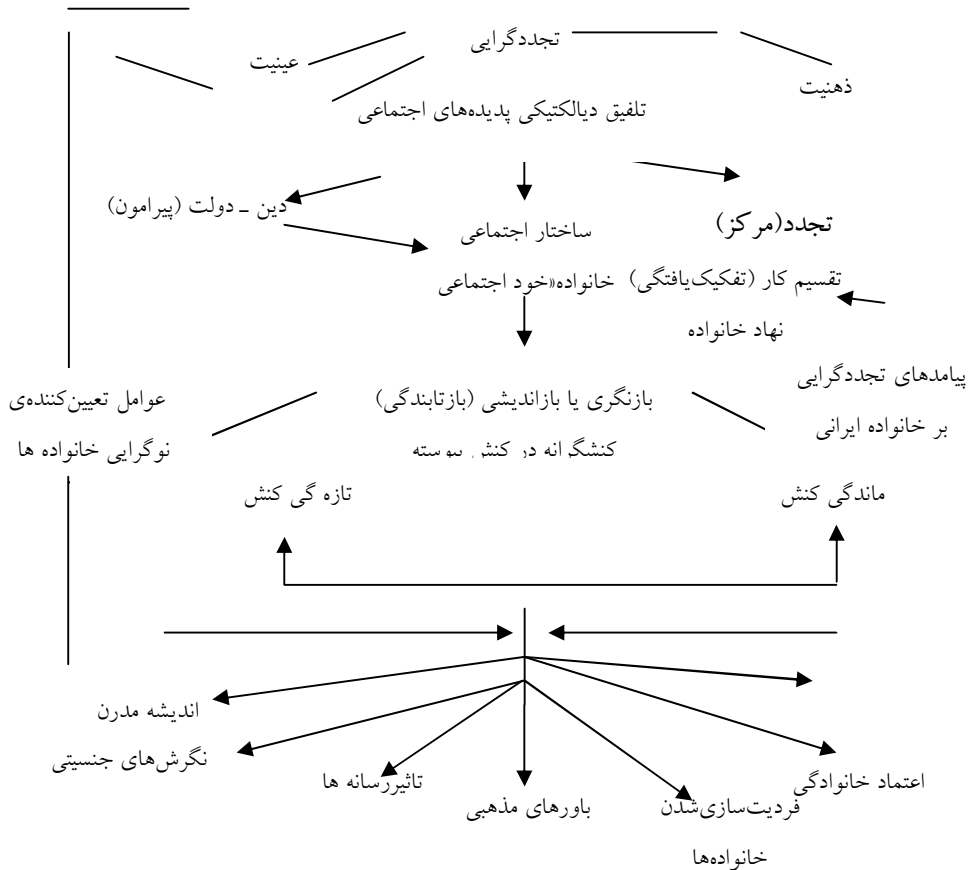
هم‌چنین زیمیل در مورد تجددگرایی و فرآیند آن در کلان شهرها می‌گوید:

«فرآیندهایی چون سلطه روزافزون، تقسیم کار فزاینده، عقلانیت مفرط، که در جریان بازاندیشی افراد به عمل می‌آید، نوعی سردی روابط را در کلان شهر پدید می‌آورد. به نظر زیمیل، دوری انسان‌ها از یکدیگر و کاهش پیوندهای عاطفی میان افراد، جوهر زندگی مدرن است (عبدی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹). یا در جای دیگر می‌گوید:

در هر حال امروزه تعاملات اجتماعی متأثر از فرآیند تجددگرایی و پیامدهای مدرنیته غرب در جامعه ما می‌باشد و پیدایش فردگرایی و تجددگرایی توأم با تحولات تاریخی که به استقرار مدرنیته و صنعتی شدن جوامع انجامید، تأثیرات عمیقی بر رشد و تکوین نهادهای اجتماعی در خانواده، دین و دولت و... و اندیشه اجتماعی در سایر جوامع داشته و فهم پیامدها و دلالت‌های این پدیده از دغدغه‌های اصلی جامعه‌شناسان در این دوره می‌باشد. با توجه به مباحث فوق فرض اصلی تحقیق عبارت از:

میان نوگرایی خانواده ها و تحولات خانوادگی ایرانی رابطه معنی دار وجود دارد.

مدل شماره (۲) مدل نظری پژوهش



مقیاس های اندازه گیری بررسی نوگرایی خانواده های ایرانی

قابل ذکر است که در این تحقیق تجددگرایی و شاخص های آن، متغیر مستقل می باشد، و تحولات خانواده متغیر وابسته می باشد.

عمومی ترین معنای تجدد را باید در تغییرات و تحولات اجتماعی گسترده ای که جوامع در دوره جدید تجربه نموده اند، جستجو کرد. به نظر تورن تجدد، نشر پیامدهای فعالیت عقلی، علمی، فنی و اداری است (تورن، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

برای سنجش تجددگرایی، مقیاس‌های جهانی وجود دارد که برای گروه‌ها و جمعیت‌های ویژه طرح شده‌اند. مثل مقیاس دوب و شینبرگ. مقیاس دیگری نیز به منظور کاربرد جهانی وجود دارد. مانند مقیاس‌های لرنر، اسمیت و اینکلس و مقیاس شارما که در این جا (۱) مفاهیم قابل اندازه‌گیری از مقیاس نهایی شده شارما که تلفیقی از مقیاس‌های مختلف برای اندازه‌گیری تجددگرایی می‌باشد، استفاده خواهد شد و (۲) مقیاس محقق ساخته شده توسط محقق.

در پژوهش حاضر برای سنجش میزان تجددگرایی از بخشی از مقیاس شارما به همراه تغییراتی استفاده می‌شود. این مقیاس دارای چند بعد می‌باشد که در این تحقیق از ابعادی استفاده می‌شود و هم چنین شاخص‌هایی که محقق ساخته شده و برگرفته از نظریات سایر صاحب‌نظران مانند گیدنز، وبر، بلومر، مید، ... استفاده می‌شود.

شاخص‌های تجددگرایی عبارتند از:

جهت‌گیری علمی [۱۰]: تمایل به فهم دنیا بر پایه‌ی نقش مدارک علمی و تحقیقی به جای خرد دوران گذشته.

جهت‌گیری تساوی طلبانه [۱۱]: التزام عقلانی است به اصل تساوی حقوق و برابری جنسیتی در پایگاه انسانی بدون قائل شدن هر نوع تبعیض بر پایه‌ی جنبه‌های منسوب به جنس، قوم و...

جهت‌گیری جهانی [۱۲]: نگرشی است به سوی ترجیح هنجارهای غیر شخصی در اجرای نقش‌های عام فراتر از وفاداری‌های ویژه به خویشاوندان، دوستان و...

جهت‌گیری پیشرفت [۱۳]: نگرش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی و محلی‌گرایی است. تمایل به موفق شدن و باور به مفیدبودن برنامه‌ریزی

جهت‌گیری استقلال طلبانه [۱۴]: نگرشی به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه‌ی آن عدم هم‌نوایی با چنین هنجارهایی است که ممکن است به لحاظ عقلانی مورد شک باشند.

جهت‌گیری مدنی [۱۵]: تمایل به کسب اخبار ملی و بین‌المللی است و آگاهی از مسائلی که ملت و اجتماع بین‌المللی با آن مواجه است و کوشش برای شکل‌دادن و تمرکز افکار روی موضوعات مختلف.

جهت گیری دموکراتیک [۱۶]: نگرش مثبت به حفظ و رعایت حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه های جامعه و وجود فرصت های مساوی برای همه در مشارکت آزادانه در ارزش های آن جامعه و نهادهای اجتماعی که به نحوی دارای نگرش هایی می باشند. برای اندازه گیری این مفهوم، میزان تجددگرایی در عرفی شدن (کم رنگ شدن باورهای مذهبی)، تحولات خانواده به لحاظ نگرش های جنسیتی، «تغییر مناسبات زن و مرد به لحاظ حیات عا طفی در خانواده»، بازاندیشی در خود، ... استفاده خواهد شد. قابل ذکر است که کلیه شاخص های فوق مورد اعتبار صوری قرار گرفته است.

علاوه بر شاخص های فوق در این پژوهش، شاخص هایی برای اندازه گیری مفاهیم تجددگرایی مناسب با بستر اجتماعی و خانوادگی ایران و برگرفته از نظریات صاحب نظران چارچوب نظری می باشد که اعتبار صوری آن مورد ارزیابی داوران و اساتید دانشگاهی قرار گرفته است. شاخص های مهیا شده عبارتند از:

ریسک پذیری (فرهنگ خطر کردن) [۱۷]: یکی از وجوه اساسی فرهنگ تجدد که به موجب آن آگاهی از خطرهای احتمالی به صورت ابزاری برای تسخیر و آبادانی آینده درمی آید (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۳۲۵).

بازاندیشی [۱۸]: «بازاندیشی» یکی دیگر از مفاهیم محوری در اندیشه ی گیدنز است. ترجمه ی تحت اللفظی تر کلمه Reflexive، «بازتابی» است. معنای بازاندیشی از نظر گیدنز عبارت است از: «بازاندیشی فرآیند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روان شناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی است.» بازاندیشی زندگی مدرن بدین معنا است که اعمال و عادات اجتماعی به طور دائم آزموده می شوند و در پرتو اطلاعاتی که درباره ی این روال های اجتماعی به دست می آیند، اصلاح می گردند و اصولاً پیوسته تغییر می کنند» (گیدنز، ۱۹۹۰، ص ۳۸).

رسانه های جمعی [۱۹]: (به عنوان مهم ترین کارگزار تجددگرایی در خانواده): رسانه های جمعی به منابع اطلاعاتی و اخبار گفته می شود. مثل روزنامه ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، ماهواره، اینترنت که به تعداد زیادی از مردم می رسد و بر آنها تأثیر می گذارد [۲۰].

کم رنگ شدن باورهای مذهبی (سکولاریزاسیون یا عرفی شدن) [۲۱]: عرفی شدن یا سکولاریزاسیون در عام ترین معنا، فرآیندی است که پیامد تجددگرایی می باشد و طی این فرآیند

نقش و اهمیت دین در «اجتماع» و نزد «فرد» افول پیدا می‌کند و «دین» را نیز دستخوش تجدید نظرهای معرفتی - ارزشی می‌سازد» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

تحولات خانواده: خانواده در این پژوهش به مثابه یک نظام اجتماعی می‌باشد که به طور خلاصه می‌توان تعریف کارتر و مک گلاریک را از خانواده نقل کرد که گفته‌اند: «خانواده نظامی است که در خلال زمان حرکت می‌کند» (کارتر، ۱۹۸۹، ص ۶). این تعریف از این حیث اهمیت دارد که به خانواده به عنوان یک پدیده پویا نظر افکنده است. و «مؤلفه‌های خانواده‌های امروزی، یعنی نزدیکی و صمیمیت، عواطف ما و جنسیت» در حال تحول‌اند» (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵).

فردیت‌سازی [۲۲]: یک مبنا و یک شاخص مهم مدرنیته و تجدیدگرایی، فردیت‌سازی است. این واژه یک تبیین متقاعدکننده به دست می‌دهد از آنچه که در جامعه در حال وقوع است: دگرگونی کار، کاهش اقتدار عمومی، افزایش انزوای شخصی، تأکید بیشتر بر اتکای به خود، توازن در حال تغییر قدرت بین زن و مرد، بازتعریف رابطه مرد و زن، بازنشاسی رابطه بین زندگی شخصی و حوزه عمومی، ظهور یک فرهنگ صمیمی، غیررسمی بودن و خودمانی با صراحت شخصی (بک، ۲۰۰۲، صص ۲۱۴-۲۰۲).

جامعه آماری و جمعیت نمونه و شیوه نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر برای رسیدن به اهداف مورد نظر از روش کمی (پیمایش) استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه خانوارهای شهری تهرانی در سال ۱۳۸۷ را تشکیل می‌دهد و بنابراین واحد آماری تحقیق هر یک از خانوارهای شهری تهرانی در سال ۱۳۸۷ می‌باشد. به دلیل حل مشکل فهرست و نیز کم کردن پراکندگی نمونه‌ها و هزینه، از شیوه نمونه‌گیری دو مرحله‌ای استفاده شده که در مرحله اول بلوک‌های نمونه و در مرحله دوم خانوارهای نمونه به روشی که در ادامه بدان اشاره می‌شود، انتخاب می‌شوند.

به علت اینکه مقدار اولیه‌ای برای p موجود نمی‌باشد مقدار آن را $0/5$ در نظر گرفته تا بیشترین جمعیت نمونه بدست آمده و لذا به ازای هر مقدار p در جامعه، جمعیت نمونه اپتیمم باشد. طبق آخرین آمار سرشماری نفوس و مسکن که سال ۱۳۸۵ انجام شد تعداد خانوارهای شهر تهران ۲۲۴۵۶۰۱ شمارش شده است. با در نظر گرفتن $\alpha = 0.5$ ، پذیرش خطای مطلق 0.05 و جایگزینی مقدار $t_{\alpha/2}$ با عدد 96.1 ، جمعیت نمونه به قرار ذیل محاسبه می‌شود.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{Nt^2(p \cdot q)}{Nd^2 + t^2(p \cdot q)}$$

برآورد حجم نمونه با

$$n_t = \frac{2267892(2/58)^2(0/5)(0/5)}{2267892(0/5)^2 + (2/58)^2(0/5)(0/5)} = 665$$

٪۱ خطا و ٪۹۹ اطمینان

در این تحقیق تعداد نمونه بدست آمده به نسبت جمعیت هر منطقه بر اساس نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵) تقسیم و سپس تعداد بلوک نمونه محاسبه شد. تعداد نمونه در همه بلوک های نمونه مساوی ۴ در نظر گرفته شده است. پس از آن بلوک های هر منطقه به صورت سریال شماره گذاری شد و با استفاده از جدول اعداد تصادفی، بلوک های نمونه به طور تصادفی بر روی نقشه بلوک های هر منطقه مشخص، و نقشه مناطق به همراه تعداد پرسش نامه لازم در اختیار ۲۰ نفر آمارگیر ثابت با هدایت محقق قرار گرفت.

واحد تحلیل

واحد تحلیل واحدی است که اطلاعات از آن جمع آوری و خصوصیات آن توضیح داده می شود (دواس، ۱۳۷۶: ۴۱). بر این مبنا واحد تحلیل تحقیق حاضر را خانواده های تهرانی ساکن در مناطق ۲۲ گانه تهران تشکیل می دهد.

آزمون روایی و پایایی آنها

آزمون همبستگی بین گویه ها بر حسب گویه های متغیر "میزان تجدد گرایی"

GWU` Y` GhUh] gh] Wg

A Y U b	J U f] U	G h X " ` 8 Y B ` c Z `	b Y a g
' & \$ "	* * (")	&) " +	-)

بر اساس خروجی آزمون آلفای کربناخ، ضریب این آزمون برای گویه های متغیر تجدد گرایی معادل ۰/۸۵ می باشد که از سطح استاندارد ۰/۷ بالاتر بوده و نشان می دهد که این گویه ها از همبستگی بالایی برخوردار بوده و ابزار مناسبی برای سنجش متغیر مورد نظر محسوب می گردند.

یافته ها

"تحلیل نتایج به دست آمده درباره میزان تجدد گرایی در خانواده های تهرانی": نوگرایی، تجدد گرایی و مدرنیزاسیون به هر جا معنی که با می گذارد با خود تغییر و تحول و دگرگونی

را به همراه می‌برد و در این میان بیشترین تغییر را در ساختارها و نهاد های فرهنگی به جای می‌گذارد، دگرگونی خانوادگی ایرانی در نیم قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع بود. در طول قرن ها شکلی از خانواده در ایران وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را به اصطلاح (خانواده گسترده) وصف کرده‌اند. برخورد با تمدن غرب و نتایج آن که عبارت از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی و دخالت دولت باشد در چند دهه اخیر موجب تغییرات عمده در خانواده و خصوصاً شکل شهری آن شد، هر چند ما از بعد تجددگرایی به مطالعه آن پرداختیم، ولی بی‌تردید این بحران و این مشکلات دارای دلایل زیادی می‌باشد که در آینده پژوهشگران زیادی را به کار در این میدان می‌طلبد، در بررسی ابعاد تجددگرایی در خانواده های تهرانی به نتایجی رسیدیم که در ذیل به آن اشاره می‌نمائیم.

متغیر تغییر نگرشهای جنسیتی: بر اساس نتایج به دست آمده، میزان تغییر نگرش های جنسیتی در خانواده تهرانی با ۳۳٪ در حد بالا، ۵۶٪ در حد متوسط، و ۹٪ در حد پایین قرار گرفته است. بررسی نتایج به دست آمده حکایت از تغییر نگرش های جنسیتی ناشی از تجددگرایی را در خانواده تهرانی نشان می‌دهد، در حقیقت با موافقت نسبی خانواده های تهرانی با گوییهایی مانند: معاشرت دختران و پسران در خانواده ها قبل از ازدواج مانعی ندارد، دست دادن زن و مرد در ارتباطات خانوادگی مشکلی ایجاد نمی‌کند، امروزه زنان خواهان برابری با مردان در جامعه هستند و... نشان داده‌اند که خواهان تغییر نگرش های جنسیتی می‌باشند و به عبارتی نشان داده‌اند که میزان تجددگرایی در خانواده ها تاثیرگذار بوده است.

متغیر فردگرایی: بررسی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد: متغیر فردگرایی بیانگر این نکته می‌باشد که: میزان فردگرایی در خانواده تهرانی بایشتترین درصد در حد متوسط (۵۹.۷)، (۲۳.۵) در حد پایین و ۱۵.۸ درصد در حد بالا قرار گرفته است. در حقیقت یکی از مسائل و مشکلاتی که خانواده ها را به گونه ای تهدید می‌کند؛ افزایش فردگرایی در بین اعضای خانواده می‌باشد.

متغیر میزان باورهای مذهبی: نتایج بر حسب متغیر میزان باورهای مذهبی بیانگر این نکته می‌باشد که: ۵۱.۴ درصد در حد متوسط، ۳۸.۵ درصد در حد بالا و ۷.۷ درصد در حد پایین می‌باشد، بررسی بیشتر نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که خانواده ها با باورهای مذهبی خود را دارند و این باور در اندیشه و مناسک عملی آنان هویدا می‌باشد، نتایج نشان می‌دهد که کمترین

تأثیر از تجدد گرایی را باور های مذهبی داشته است. برای سنجش باور های مذهبی در خانواده ها، از گویه هایی مانند: اعضای خانواده روزانه باید به تلاوت قرآن، دعا و ذکر پردازند، در نگذاری فرزندان باید از نام های مذهبی مانند زهرا، حسین و... استفاده کرد، اعضای خانواده در صورت نیاز، باید در ساخت و تعمیر اماکن مذهبی، ساخت و تعمیر اماکن عام المنفعه، وقف و خیریه شرکت کنند و... بنا بر این برخلاف آنچه که در جامعه قیل و قال به پا است که باور های مذهبی از بین رفته است، نتیجه به دست آمدن نشان می دهد که مردم اگر چه تجدد گرایی را در سبک زندگی پذیرفته اند، اما در صورت به وجود آمدن مشکلی همین مردم متجدد به مذهب و باور های مذهبی پناه می برند.

متغیر میزان استفاده از رسانه ها: نتایج در مورد میزان استفاده از رسانه ها در خانواده نشانگر این نکته می باشد که: ۴۷.۱ درصد در حد بالا، ۴۸.۶ درصد در حد متوسط و ۲ درصد در حد پایین می باشد. بر اساس نظریه پردازانی مانند لرنر، گیدنز، و... یکی از ابزار هایی که در تجدد گرایی خانواده ها تأثیر گذار است، رسانه ها می باشند، رسانه هایی مانند تلویزیون، اینترنت، ماهواره و... می باشند، بی تردید در نوگرایی و تجدد گرایی خانواده های ایرانی رسانه بسیار تأثیر گذار بوده است. میانگین به دست آمده هم نشانگر این نکته می باشد.

متغیر بازتابندگی و بازاندیشی در هنجارهای خانوادگی: ذات زندگی مدرن تغییر و تحول می باشد و بازاندیشی در اعمال و رفتار انسان ها را به دنبال می آورد، در این میان بی تردید خانواده های ایرانی به دلیل گذران اوقات فراغتشان که بر اساس نتیجه به دست آمده در این تحقیق که بیشتر به تماشا تلویزیون می گذرد، بی تردید بالاترین بازنگری و بازتابندگی و بازاندیشی را در هنجارها و رفتارهای خود دارند، نتیجه به دست آمده گویای این نکته می باشد که: بازتابندگی و بازاندیشی در هنجارهای خانوادگی با ۱۰.۵ درصد در حد بالا، ۵۹.۵ درصد در حد بالا، ۲۹.۵ درصد در حد متوسط و ۲.۹ درصد در حد پایین قرار گرفته است، نتیجه فوق گویای موافقت خانواده ها با بازاندیشی در اعمال و رفتارشان می باشد.

متغیر ریسک پذیری و مخاطره پذیری: تجدد فرهنگ خطر کردن و ریسک پذیری است، در عصر تجدد به گفته گیدنز: تجدد احتمال خطر را در بعضی از حوزه ها و شیوه های زندگی کاهش می دهد، ولی در عین حال پارامترهای خطر آفرین و کاملاً ناشناخته ای را نیز به هما

نحوزه‌ها وارد می‌سازد. در حقیقت زندگی مدرن خطرها و فرصت‌های جدید برای زندگی انسان به‌ارمغان می‌آورد، از دیگر متغیرهایی که زندگی مدرن و تجددگرایی را در میان خانواده‌های تهرانی مورد ارزیابی قرار می‌دهد، متغیر ریسک‌پذیری و مخاطره‌پذیری است، نتایج به دست آمده در این مورد بیانگر این نکته می‌باشد: متغیر ریسک‌پذیری و مخاطره‌پذیری با ۱۲.۶ درصد در حد خیلی بالا، ۵۴.۴ درصد در حد بالا، ۲۷.۵ درصد در حد متوسط و ۵.۰ درصد در حد پایین قرار است. برای سنجش این متغیر از گویه‌هایی مانند: پذیرش مخاطره (پذیرش خطر در انجام امور خانوادگی)، باعث افزایش بیماری‌های عصبی شده است، مخاطره‌پذیری زندگی مدرن باعث فردگرایی در زندگی خانوادگی شده است... استفاده کردیم. شاید به نظر آید که مردم در جامعه ایران هنوز در اندیشه سنتی هستند، ولی سبک و نوع زندگی نشان می‌دهد که مردم در درجعات زندگی مدرن می‌باشند و به واقع مردم سنتی می‌اندیشند و مدرن زندگی می‌کنند.

جدول شماره (۱) نگاه کلی به شاخص‌های ابعاد تجددگرایی

شاخص	نگرش جنسیتی	فردگرایی	اندیشه مدرن	باورهای مذهبی	استفاده از رسانه	جهت‌گیری پیشرفت	جهت‌گیری علمی
میانگین	21.35	21.19	21.12	21.148	21.44	7.10	14.07
انحراف استاندارد	4.469	4.418	4.418	4.4030	4.520	1.488	2.939
دامنه تغییرات	26	26	26	25.9	26	9	17
کمترین	9	9	9	9.1	9	3	6
بیشترین	35	35	35	35.0	35	12	23

شاخص	جهت‌گیری استقلال طلبانه	جهت‌گیری تساوی طلبانه	جهت‌گیری دموکراتیک	جهت‌گیری جهانی	جهت‌گیری مدنی	بازتاب‌دهی	ریسک‌پذیری
میانگین	21.35	21.19	21.12	21.148	21.44	7.10	14.07
انحراف استاندارد	4.469	4.418	4.418	4.4030	4.520	1.488	2.939
دامنه تغییرات	26	26	26	25.9	26	9	17
کمترین	9	9	9	9.1	9	3	6
بیشترین	35	35	35	35.0	35	12	23

جمع بندی نهایی

مبثنی بر تحلیلی جامعه شناختی

با گذر حدود ۲۰۰ سال از تجربه مدرنیته در ایران، یعنی از زمان آشنایی آن با غرب همچنان رابطه سنت و مدرنیته در جامعه ایرانی به عنوان یک مشکل تلقی میشود، ایران امروز دچار دگرگونی های زیادی ناشی از مدرن گرایی و پیامدهای آن در جامعه و سایر نهادهای اجتماعی می باشد و نشانگر آن است که جامعه ایرانی تا حد زیادی در راه تجدد پیشرفته است و برخلاف آنچه که گفته می شود این تغییرات در حد ظواهر نیست بلکه ساخت های اساسی در حال تغییرند، از جمله این ساخت ها، دگرگونی خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع بود. فردگرایی یا فردیت سازی شدن روابط اعضای خانواده، تغییر نگرش های جمعیتی، کم رنگ شدن باورهای مذهبی، داشتن اندیشه مدرن، ریسک پذیری (فرهنگ خطر کردن)، بازاندیشی در اعمال و رفتار و کنش ها، تأثیر رسانه های جمعی، بر جهت گیری علمی، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری جهانی، جهت گیری پیشرفت، جهت گیری استقلال طلبانه، جهت گیری مدنی و جهت گیری دموکراتیک، ناشی از تجدد گرایی در خانواده های ایرانی براساس نتایج تجربی اتفاق افتاده است. بنا به دلایل فوق و براساس نتایج و شواهد مستند و پژوهشی که نشان دهنده تغییرات و تحولات در نظام خانواده بوده بر آن شدیم که در میدان عمل این تغییرات و تحولات را مورد سنجش قرار دهیم تا ببینیم در عمل چقدر از تحولات فوق در خانواده های ایرانی اتفاق افتاده است. و تا چه اندازه توانسته است خانواده ها رابه لحاظ میزان تجدد گرایی مورد تاثیر قرار دهد. برای رسیدن به این منظور هدفی را طراحی کردیم، هدف پژوهش عبارت از:

بررسی میزان تجدد گرایی در خانواده های ایرانی: در این پژوهش از رویکرد مدرن گرایی، بازاندیشی در اعمال و رفتارها و همچنین رویکرد نظری مرکز - پیرامون استفاده گردید. در زیر به بررسی نتایج بدست آمده مبثنی بر مطالعات نظری پرداخته می شود؛ رویکرد تلفیقی نوگرایی پدیده های اجتماعی حاکی از آن است که چگونه در چالش دو پدیده اجتماعی با یکدیگر، ماحصلی به نام خودبه وجود می آید که کنش های انسان را براساس تفسیر موقعیت به ذهن متبادر می کند و به بازاندیشی می پردازد. برای اندازه گیری میزان تجدد گرایی در خانواده های ایرانی، شاخص هایی از قبل ساخته شده و همین طور شاخص هایی که مبثنی بر نظریه ها توسط محقق

پژوهش ساخته شده و در خانواده‌ها مورد بحث قرار گرفت. نتایج نشانگر این است که تجددگرایی در خانواده‌ها تأثیر گذاشته و بیشترین تأثیر را نگرش‌های جنسیتی و کمترین تغییر را باورهای مذهبی در خود پذیرفته است. میزان تغییر نگرش‌های جنسیتی در خانواده تهرانی با ۳۳٪ در حد بالا، ۵۶٪ در حد متوسط، و ۹٪ در حد پایین قرار گرفته است. بررسی نتایج به دست آمده حکایت از تغییر نگرش‌های جنسیتی ناشی از تجددگرایی را در خانواده تهرانی نشان می‌دهد، در حقیقت به گفته گیدنز، «در میان تغییراتی که این روزها در جوامع است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی - در روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده - در حال وقوع است. خانواده‌های تهرانی و بالطبع خانواده‌های ایرانی دچار تغییر در نگرش‌های جنسیتی شده‌اند، در نوع روابط دختران و پسران، در اشتغال زنان، در نوع ازدواج، در گونه‌شناسی خانواده‌ها، در برقراری عدالت جنسیتی فیمابین زنان و مردان. یکی دیگر از معضلات خانواده‌ها، فردگرایی افراطی و به گفته اولریخ بک فردیت‌سازی شدن روابط اعضای خانواده و یا زامبی شدن (مرده متحرک) نوع روابط اعضای خانواده می‌باشد که در میدان تحقیق مورد سنجش قرار گرفت، نتایج نشانگر این است که میزان فردگرایی در خانواده تهرانی با بیشترین درصد (۵۹/۷) در حد متوسط اتفاق افتاده است که نشان دهنده زنگ خطری برای خانواده‌های ایرانی می‌باشد، یعنی اعضای خانواده وقتی با هم هستند، حرف مشترکی برای گفتن ندارند و هر کسی در دنیای خود سیر می‌کند و هر کسی به کاری مشغول است، البته صورت دیگر فردگرایی، مصرف‌گرا شدن خانواده‌ها می‌باشد که چون تمام هم و غم‌شان به تأمین مواد مصرفی و تأمین پول برای گذران زندگی می‌گذرد، لذا، این فردگرایی به نوعی تشدید می‌شود. البته بحث فردگرایی که از پیامدهای زندگی مدرن می‌باشد، به نوعی در اندیشه زیمل، گیدنز، وبر (قفس آهنین) وجود داشته، بنابراین در سبک نوع تجدد از جوامع شمال باید تلاش بر این داشته باشیم که بر پایه سنت‌هایمان باشد و در حقیقت نوعی تجددگرایی سنت‌مآبانه در جامعه ما باشد که این اتفاق در حال افتادن است و ما در حال تجربه نوعی مدرنیته بومی یا ایرانی می‌باشیم. نکته دیگری که حائز اهمیت می‌باشد، فردگرایی دارای جنبه مثبتی هم می‌باشد و آن خلاقیت آثار نو و جدید می‌باشد، که البته این جنبه کمتر در خانواده‌های ایرانی اتفاق افتاده و بنا بر نتایج تحقیق بیشتر نوعی فردگرایی افراطی در حال رخ دادن است که رسانه‌های جمعی و سیاستگذاران در امور خانواده‌ها باید تلاش بر این داشته

باشند که نگذرانند این نوع روابط در خانواده ها نهادینه شود. نکته دیگری که حائز اهمیت می باشد چگونگی باورهای مذهبی خانواده های تهرانی ناشی از میزان تجددگرایی می باشد، بررسی نتایج به دست آمده نشان می دهد که باورهای مذهبی کمترین تغییر را در خود پذیرفته است و این نشانگر این است که خانواده ها باورهای مذهبی خود را در هر شرایطی حفظ می کنند و این باور در اندیشه و مناسک عملی آنان هویدا می باشد، در تحلیل جامعه شناختی این نتیجه می توانیم بگوئیم که مردم به نوعی اندیشه مدرن دست یافته اند که تجدد را در زندگی پذیرند، اما از آنور قضیه نگرش ها و اعتقادات مذهبی خود را حفظ کنند و در حقیقت کار کرد هر کدام را در جایی از زندگیشان برای خود تعریف کرده اند. میزان استفاده از رسانه ها در خانواده نشانگر این نکته می باشد که ۴۷/۱ درصد در حد بالا؛ ۴۸/۶ درصد در حد متوسط و ۲ درصد در حد پایین می باشد. براساس نظرات نظریه پردازانی مانند لرنر، گیدنیز، و... یکی از ابزارهایی که در تجددگرایی خانواده ها تاثیر گذار است، رسانه ها می باشند، رسانه هایی مانند تلویزیون، اینترنت، ماهواره و... می باشد، بی تردید در نوگرایی و تجددگرایی خانواده های تهرانی رسانه بسیار تأثیر گذار بوده است، همچنین بررسی نتایج به دست آمده از سایر شاخص های تجددگرایی در خانواده تهرانی، نشانگر این قضیه می باشد که تجددگرایی در خانواده ها، اتفاق افتاده است. نتیجه تحقیق گویای آن می باشد، خانواده های تهرانی براساس اندیشه های سنتی خود به هر نوعی اندیشه مدرن را بنا کرده اند و در حقیقت نوعی مدرنیته بومی و ایرانی در حال خانواده های ایرانی در حال شکل گرفتن است، و همچنین نتیجه تحقیق فوق گویای آن است که راه رسیدن به مدرنیته، یک نسخه واحد جهانی نیست. بلکه هر کشوری رسیدن به زندگی مدرن را سعی می کند از راه و روش خود برود، راه و روشی که براساس سنت ها، ارزش ها و ایده های یک جامعه، یک ملت و یک دولت شکل می گیرد که راهی منحصر بفرد است و خاص هر جامعه ای می باشد. همچنین براساس نتیجه به دست آمده از مدل دیگری که در لیزرل به دست آمده کلیه شاخص های تجددگرایی در خانواده ها نشان از میزان تجددگرایی در خانواده ها می باشد که نگرش های جنسیتی بیشترین تأثیر و باورهای مذهبی کمترین تأثیر را از تجددگرایی خانواده ها داشته اند. در هر حال خانواده هنوز به عنوان محل و مأمن انسان ها در جامعه حضور دارد و علیرغم هجوم عصر ارتباطات جمعی و نفوذ فردگرایی بر روابط اعضای خانواده، همچنان حیات خود را حفظ کرده است و به عنوان آخرین بازمانده نظم و ثبات

اجتماعی در جامعه حضور دارد، و اگر چه بارهای زیادی را تحمل کرده است، اما باید تلاشی داشت که بارهایی را از دوش خانواده برداشت و تلاش داشت تا خانواده بتواند به حیات تاریخی خود ادامه دهد، اگر چه ممکن است در این مسیر، گونه‌های مختلف خانواده پا به عرصه وجود گذارد، همان‌طور که تافلر اشاره کرده است، شاید تاکنون هشتاد گونه خانوادگی در جهان شناخته شده است. اما نهاد خانواده از بین نرفته است، بلکه بازیافت شده است و توانسته است یک باز تولیدی مفید بر هر یک و حیات اجتماعی خانواده در جهان و ایران داشته باشد. باید کلیه ابزارهایی که به نوعی در امر اطلاع‌رسانی و تبلیغ دخالت دارند، به آموزش در رسانه‌ها پردازند و عوامل تأثیرگذار در بحران خانواده ایرانی را به مردم بشناسند تا با کمک و یاری مردم بتوانند به یک سلامت روانی و روحی در خانواده و جامعه برسیم، چرا که رابطه این دو یک رابطه دوسویه و تأثیرگذار برهم می‌باشد. امید که نتایج این تحقیق بتواند گامی هرچند کوتاه در امر ساماندهی مسائل مربوط به خانواده، اطلاعاتی در اختیار سیاستگذاران مربوطه و مسئولان بگذارد و نهاد خانواده را از این دوران گذار به سلامت به حیات ثباتش برساند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------------------------|--|
| 1- Structural differentiation | 12- Universalistic Orientation |
| 2- domesticity | 13- Achievement Orientation |
| 3- instrumental | 14 Independence Orientation |
| 4- expressive | 15- Civic Orientation |
| 5- secularization | 16- Democratic Orientation |
| 6- Reflexivity | 17- Risk culture |
| 7- Beck | 18- Reflexivity |
| 8- Risk society | 19- Mass Media |
| 9- reflexivity | 20- Oxford Advanced Learner's Dic.2002 |
| 10. Scientific Orientation | 21- Secularization |
| 11- Equalitarian Orientation | 22- Individualization |

منابع

- آزاد، آرمکی، تقی [... و دیگران] (۱۳۸۶). "رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان". نامه علوم اجتماعی ایران. شماره پیاپی، ۳۰.
- آزاد، آرمکی تقی (۱۳۸۰). *مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*. تهران: دفتر مطالعاتی-انتشارات اجتماعی،
- _____ (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: انتشارات سمت،

بررسی نوگرایی خانواده های ایرانی (تحقیقی در شهر تهران).....۱۲۷

آزاد ارمکی تقی [... ودیگران] (۱۳۷۹). "بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی". **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۱۶.

ازکیا، مصطفی؛ و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). "بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان". **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۱۷، بهار و تابستان.

ازکیا، مصطفی [... ودیگران] (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی توسعه**. تهران: انتشارات کیهان،

استونز، راب (۱۳۷۹) **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**. ترجمه مهرداد میر دامادی. تهران: انتشارات نشر مرکز،

اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر،

بهنام، جمشید (۱۳۷۵). **ایرانیان و اندیشه تجدد**. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز،

دوس، دی. ای (۱۳۷۶). **روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی**. ترجمه مریم رفعت جاه و رخساره کاظم. تهران: نشر مرکز ترجمه و نشر کتاب،

روزن باوم، هایدی (۱۳۷۶). **خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه**. ترجمه محمد صادق مهدوی. تهران: [بی‌نا]،

ریترز، جرج (۱۳۷۴). **بنیان‌های جامعه‌شناختی: خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی**. ترجمه تقی آزاد

ارمکی. تهران: انتشارات نشر سیمرغ،

کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۷). **بحران جامعه مدرن**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). **جنگ علیه خانواده**. ترجمه معصومه محمدی. تهران: انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان،

گودرزی، محسن؛ و عبیدی، عباس (۱۳۷۸). **تحولات فرهنگی در ایران**. تهران: انتشارات روش،

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز،

_____ (۱۳۷۸). **تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی،

_____ (۱۳۸۴). **چشم اندازهای جهانی**. ترجمه محمد رضا جلایی پور. تهران: انتشارات طرح نو،

Blumer, H, Symbolic (1969). **Interactionism, the method and perspective**. N.J : Prentice-Hall Inc,

Beck, U (2000). **The Brave New World of Word of Work**. combridge: Polity Press,